

### متن پرسش

سلام استاد عزیز: جوانی هستم که تاکنون موفق به ازدواج نشدم و هر بار به بهانه ای که عمدتاً از خانواده خانم بوده موفق به این امر نشدم. چون انتظارات و توقعات بالاست؛ از طرفی حامی مالی در خانه ندارم و مجبورم روی پای خودم بایستم حال با توجه به این شرایط اقتصادی تورم زا واقعا کلافه شدم. مدام در فکرم کی قراره سر و سامان بگیرم ناامید نیستم می‌دانم ازدواج باید قسمت فرد شود ولی خوب آخه صبر تا کی؟ فرق من با کسی که هم سن من بوده ولی حامی مالی داشته و شرایط برایش فراهم بوده الان هم بچه دار هست در چیه؟ لابد میخواهید بگید امتحان هر فرد مخصوص به خودش هست ولی بنظرم جوان های مثل من فکر یه زندگی ساده هستن و به این چیزها اصلا فکر نمی‌کنند. انتظار زیادی هم نیست. قبول کنید خیلی سخته تو این سن با این شرایط اقتصادی با این همه ابزار گناه طرف بتونه خودش رو نگه داره. خودم رو با کسی مقایسه نمی‌کنم ولی دارد دیر می‌شود. کمی سخن بگوید تا آرام شویم و از این افکار برای همیشه خلاص شویم.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری برادر! این غصه بزرگ کسانی است که می‌دانند مسئله شما مسئله همه انسان‌ها و انسانیت است. مثل همان فاجعه‌ای که با تهاجم صدام حسین، جوانان ما را پر پر کرد. این ظلم، کم‌تر از آن نیست، با این تفاوت که آن ظلم را دشمن بیرونی بر جوانان ما تحمیل کرد و این ظلم را کسانی شکل داده‌اند که به ظاهر دشمن به حساب نمی‌آیند ولی دشمن‌ترین دشمنان هستند. امید است به همان صورت که نظام اسلامی توانست در مقابل آن فاجعه به هر صورت اگر تلفاتی هم داد؛ از مشکل عبور کند، در این معضل نیز جوانان ما را از این گرداب بیرون آورد. تصور بنده آن است که دولت در زوایای مختلف تلاش دارد از این مشکل ما را عبور دهد، کار آسانی نیست ولی شما نیز خود را به عنوان یک رزمنده تصور کنید که تلاش می‌کند به هر صورتی شده خود را از این مهلکه نجات دهد. آری! با ساده‌گرفتن زندگی از یک طرف، و رجوع به خانواده‌های ساده‌زیست از طرف دیگر شروع خوبی است. بخصوص که می‌توان به خانواده آن دختر توصیه کرد جهیزیه محدودی تهیه کنند تا در یکی دو اطاق فعلاً بشود زندگی را شروع کرد. موفق باشید